Journal of Interpretive Innovations
http://iij.araku.ac.ir
ISSN: 2821-2754

The Semantic Development of Ṣalāh: An Analysis of Qurʾān 17:110

Asad Shahbazi [a*], Alireza Tabibi [b]

[a] PhD in Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran
[b] Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

KEYWORDS

Qurʾān 17:110, Ṣalāh, Semantic Change, Ritual Prayer, Qurʾānic Exegesis

Received: 9 February 2025;
Accepted: 04 July 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/iij.2026.2050035.1040

ABSTRACT

Ṣalāh is one of the Qurʾān's most frequently used and significant terms and has long attracted the attention of exegetes, jurists, and scholars of Qurʾānic studies. In pre-Islamic Arabic, the word denoted supplication and attentiveness. With the revelation of the Qurʾān and the formation of Islamic law, it underwent substantial semantic change and became established as a pillar of Islam. Using a descriptive–analytical approach and focusing on Qurʾān 17:110, this study examines the term's semantic development. Its Qurʾānic usages include ritual prayer, supplication, obedience, entry and sustained association, and compassionate attention. In 17:110, ṣalāh denotes prayer, particularly its recitation, and the verse enjoins a middle course between reciting aloud and reciting quietly. Linguistic, exegetical, hadith, and jurisprudential evidence shows that the term bears its specific legal sense of prayer in this verse, in keeping with the verse's context and the verses before and after it. The study traces ṣalāh's development from the general sense of supplication to the specific legal sense of prayer with defined pillars and conditions, a change rooted in the legislation and institutionalization of worship. It also discusses the role of reports from the Infallibles in establishing this legal sense and the importance of Qurʾān 17:110 for deriving rulings on audible and inaudible recitation.

* Corresponding author.
E-mail address: shahbazi.asad4747@gmail.com

نوآوری‌های تفسیری، دوره ۴، شماره ۱، سال ۱۴۰۵، صفحات ۱ تا ۱۳

نوآوری‌های تفسیری

شاپا: ۲۷۵۴-۲۸۲۱

تحول معنایی واژه «صلوه» با تکیه بر آیه ۱۱۰ سوره مبارکه اسراء

اسد شهبازی[الف*]، علیرضا طبیبی[ب]

[الف] فارغ التحصیل دکتری، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، shahbazi.asad4747@gmail.com

[ب] استاد، گروه معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، A.tabibi@ut.ac.ir

واژگان کلیدی

آیه ۱۱۰ اسراء، صلوه، تحول معنایی، نماز، دعا، تفسیر قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۳

مقاله علمی پژوهشی

چکیده

واژه «صلوه» یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین مفاهیم قرآنی است که در طول تاریخ تفسیر، همواره مورد توجه مفسران، فقها و پژوهشگران علوم قرآنی بوده است. این واژه که در زبان عربی جاهلی به معنای «دعا» و «توجه» به کار می‌رفته، با نزول قرآن و شکل‌گیری شریعت اسلامی، دچار تحول معنایی عمیقی شده و به عنوان یکی از ارکان اصلی دین اسلام تثبیت گردیده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیه ۱۱۰ سوره اسراء، به بررسی ابعاد مختلف تحول معنایی این واژه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واژه «صلوه» در قرآن دارای کاربردهای متنوعی از جمله نماز، دعا، اطاعت، دخول و ملازمت، و توجه عطوفتی است. در آیه ۱۱۰ سوره اسراء، این واژه به معنای نماز با قرائت آن به کار رفته و دستور به رعایت حد وسط در جهر و اخفات داده شده است. تحلیل ادله لغوی، تفسیری، روایی و فقهی نشان می‌دهد که «صلوه» در این آیه، معنای شرعی خاص خود (نماز) را دارد و این معنا با سیاق آیه و آیات قبل و بعد از آن کاملاً سازگار است. همچنین بررسی تحول معنایی این واژه نشان می‌دهد که «صلوه» از یک معنای عمومی (دعا) به یک معنای خاص شرعی (نماز با ارکان و شرایط خاص) تحول یافته و این تحول، ریشه در فرایند تشریع و نهادینه‌شدن عبادات در اسلام دارد. نقش روایات معصومان در تثبیت این معنای شرعی و جایگاه آیه ۱۱۰ سوره اسراء در استنباط احکام فقهی جهر و اخفات، از دیگر مباحث مهم این پژوهش است.

۱. مقدمه

همه ادیان و آیین‌ها برای پیروان خود، قوانین و تکالیفی وضع کرده‌اند که پیروی از آنها، نشانه پایبندی به آن دین یا آیین است. ازاین‌رو تعیین دقیق چارچوب این قوانین ضرورتی انکارناپذیر است. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دینی مسلمانان، قانون اساسی زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود و فهم دقیق مفاهیم آن، نخستین گام در مسیر عمل به آموزه‌های آن است. در این میان، دریافت مفهوم دقیق واژگان قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بدون توجه به معنای دقیق واژگان، رسیدن به قله فهم قرآن امکان‌پذیر نخواهد بود.

واژه «صلوه» از جمله مفاهیم کلیدی قرآن است که به دلیل کاربرد فراوان و ارتباط آن با یکی از ارکان اصلی دین اسلام (نماز)، همواره در کانون توجه مفسران، فقها و پژوهشگران قرار داشته است. این واژه ۹۸ بار در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۲-۲۳۴) و در اشکال مختلف صرفی مانند «صلوه»، «صلوات»، «مصلین»، «یصلون» و ... در آیات متعدد تکرار شده است. چنین تکرار گسترده‌ای نشان از اهمیت و جایگاه والای این مفهوم در نظام معنایی قرآن

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: shahbazi.asad4747@gmail.com

دارد.

آنچه بر اهمیت پژوهش در مورد واژه «صلوه» می‌افزاید، تحول معنایی این واژه در طول تاریخ است. واژه «صلوه» در زبان عربی جاهلی به معنای «دعا» و «توجه» به کار می‌رفته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۶)، اما با نزول قرآن و شکل‌گیری شریعت اسلامی، این واژه دچار تحول معنایی عمیقی شده و به عنوان یکی از ارکان اصلی دین اسلام تثبیت گردیده است. فهم این تحول معنایی، نه تنها برای درک صحیح آیات قرآن ضروری است، بلکه می‌تواند در فهم فرایند شکل‌گیری مفاهیم دینی در صدر اسلام نیز راهگشا باشد. از سوی دیگر، واژه «صلوه» در طول تاریخ تفسیر، همواره با دو رویکرد اصلی مواجه بوده است: گروهی از مفسران آن را به معنای «دعا» دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را به معنای شرعی «نماز» تفسیر کرده‌اند. این دوگانگی در تفسیر، به ویژه در آیاتی که زمینه‌های هر دو معنا در آنها وجود دارد، ضرورت پژوهش در این زمینه را دوچندان می‌کند.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تحول معنایی واژه «صلوه» با تأکید بر آیه ۱۱۰ سوره اسراء است. انتخاب این آیه به دلیل اهمیت ویژه‌ای است که در تفسیر واژه «صلوه» و ارتباط آن با مفاهیمی چون «جهر» و «اخفات» دارد. این آیه یکی از معدود آیاتی است که در آن به کیفیت قرائت نماز اشاره شده است و از همین رو، در مباحث فقهی و تفسیری جایگاه خاصی دارد. همچنین، این آیه به دلیل حضور واژه «صلوه» در کنار مفاهیمی چون «دعا» و «اسماء الحسنی»، زمینه مناسبی برای بررسی تحول معنایی این واژه فراهم می‌کند. در این آیه، خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد که در قرائت نماز، نه جهر (بلندخوانی) افراطی داشته باشد و نه اخفات (آهسته‌خوانی) تفریطی، بلکه حد وسط را رعایت کند. این دستور، از یک سو نشان‌دهنده اهمیت کیفیت قرائت نماز است و از سوی دیگر، فرصتی برای بررسی تحول معنایی واژه «صلوه» در بستر آیات قرآنی فراهم می‌آورد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که با وجود پژوهش‌های متعدد در مورد واژه «صلوه»، برخی نقاط کور و خلأهای پژوهشی همچنان وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌ها صرفاً به توصیف کاربردهای مختلف «صلوه» پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل فرایند تحول معنایی آن از دوران جاهلی تا عصر نزول قرآن توجه کرده‌اند. همچنین، با وجود اهمیت ویژه‌ای که آیه ۱۱۰ سوره اسراء در تفسیر «صلوه» و بحث جهر و اخفات دارد، پژوهش مستقلی به تحلیل دقیق این آیه با رویکرد تحول معنایی اختصاص نیافته است. افزون بر این، بیشتر پژوهش‌ها از روش‌های سنتی تفسیر بهره گرفته‌اند و کمتر بهره‌ای از دستاوردهای زبان‌شناسی و معناشناسی نوین برده‌اند. از سوی دیگر، در بیشتر پژوهش‌ها، تنها به یک یا دو دسته از ادله (مثلاً ادله تفسیری و روایی) اکتفا شده و به تحلیل هم‌زمان ادله لغوی، تفسیری، روایی و فقهی پرداخته نشده است.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأها، به بررسی تحول معنایی واژه «صلوه» با تکیه بر آیه ۱۱۰ سوره اسراء می‌پردازد. نوآوری‌های این پژوهش در چند محور قابل بیان است: نخست، تمرکز بر آیه خاص و تبیین دقیق مفهوم «صلوه» در این آیه که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. دوم، رویکرد تلفیقی-تحلیلی که با تلفیق روش‌های تفسیری، زبانی و فقهی، تحلیلی جامع و چندوجهی از واژه «صلوه» ارائه می‌دهد. سوم، تحلیل تحول معنایی با بررسی کاربردهای مختلف «صلوه» در قرآن و مقایسه آن با کاربردهای جاهلی. چهارم، استفاده از ادله چهارگانه (لغوی، تفسیری، روایی و فقهی) در تبیین مفهوم «صلوه» در آیه ۱۱۰ سوره اسراء. پنجم، تحلیل انتقادی دیدگاه‌های مختلف که صرفاً به

نقل اقوال اکتفا نکرده، بلکه نقاط قوت و ضعف هر یک را نمایان ساخته است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی تلفیقی انجام شده است. بدین معنا که ابتدا با روش توصیفی، کاربردهای مختلف واژه «صلوه» در قرآن و دیدگاه‌های مفسران و فقها در این زمینه، گردآوری و توصیف شده است. سپس با روش تحلیلی، این کاربردها و دیدگاه‌ها، تحلیل و ارزیابی شده و نقاط قوت و ضعف هر یک نمایان گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها، مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر تفسیری، لغوی، روایی و فقهی بوده است. در بخش تحلیل داده‌ها، از روش‌های مختلفی مانند تحلیل سیاق، تحلیل انتقادی و تحلیل ریشه‌شناختی استفاده شده است. روش پژوهش در بخش تحلیل تحول معنایی، مبتنی بر رویکرد تاریخی-معناشناختی است که در آن، کاربردهای واژه در ادوار مختلف تاریخی (دوران جاهلی، عصر نزول و دوره‌های پس از آن) بررسی و تحول معنایی آن تبیین شده است. در بخش بررسی دیدگاه‌های مفسران، ضمن نقل دیدگاه‌های مهم، به نقد و ارزیابی هر یک بر اساس ادله و قرائن موجود پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

یکی از پدیده‌های رایج در همه زبان‌های زنده، پدیده تحول معنایی است که در آن، یک واژه در طول زمان، دچار تغییر در معنا و مفهوم خود می‌شود. این پدیده نتیجه عوامل متعددی مانند تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، و نیز تحولات درونی زبان است. در زبان‌شناسی تاریخی، انواع مختلفی از تغییر معنا شناسایی شده است که از جمله می‌توان به توسعه معنا (یک واژه از معنای خاص به معنای عام گسترش می‌یابد)، تخصیص معنا (یک واژه از معنای عام به معنای خاص محدود می‌شود)، ارتقای معنا (یک واژه از معنای منفی به معنای مثبت تبدیل می‌شود)، تنزل معنا (یک واژه از معنای مثبت به معنای منفی تنزل می‌یابد)، استعاره (یک واژه با استفاده از تشبیه، معنای جدیدی پیدا می‌کند) و مجاز (یک واژه بر اساس ارتباط مفهومی، معنای جدیدی پیدا می‌کند) اشاره کرد. واژه «صلوه» نمونه بارزی از تحول معنایی از نوع «تخصیص معنا» است. این واژه در زبان عربی جاهلی، معنایی عام (دعا و توجه) داشت، اما با نزول قرآن و شکل‌گیری شریعت اسلامی، معنای آن به یک عمل عبادی خاص (نماز با ارکان و شرایط مشخص) تخصیص یافت.

علل تحول معنایی واژگان معمولاً تحت تأثیر عوامل متعددی رخ می‌دهد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: عوامل اجتماعی (تغییرات در ساختار اجتماعی، ورود مفاهیم جدید، تماس با فرهنگ‌های دیگر و ...)، عوامل زبانی (تحولات در نظام آوایی، صرفی و نحوی یک زبان)، عوامل روان‌شناختی (نیازهای بیانی، عاطفه و احساسات) و عوامل مذهبی (دین و مذهب که یکی از مهم‌ترین عوامل تحول معنایی واژگان است). در مورد «صلوه»، ورود اسلام و شکل‌گیری یک نظام عبادی جدید، مهم‌ترین عامل اجتماعی تحول معنایی این واژه بوده است. همچنین، تحولات صرفی در عربی و بار عاطفی و احساسی واژه در شکل‌گیری معنای جدید آن مؤثر بوده است. دین اسلام با نهادینه‌کردن نماز به عنوان یکی از ارکان اصلی خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول معنایی این واژه داشته است.

قرآن کریم به عنوان کتابی که در بستر زبان عربی و فرهنگ جاهلی نازل شده است، از پدیده تحول معنایی به‌شدت متأثر بوده است. برخی از واژگان قرآنی، در فرهنگ عرب جاهلی معنای خاصی داشتند، اما با نزول قرآن، این معناها دچار تحول شدند و مفاهیم جدید و عمیق‌تری پیدا کردند. از جمله این واژگان می‌توان به «حنف» (در جاهلیت به معنای انحراف از دین، اما در قرآن به معنای توحید و یکتاپرستی)، «فجور» (در جاهلیت به معنای عمومی بدی و شر، اما در قرآن

به معنای گناهان کبیره)، «حنث» (در جاهلیت به معنای گناه و اشتباه، اما در قرآن به معنای نقض عهد) و «صلوه» (در جاهلیت به معنای دعا و توجه، اما در قرآن به معنای نماز با ارکان و شرایط خاص) اشاره کرد. واژه «صلوه» یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تحول معنایی در قرآن است که نشان‌دهنده فرایند نهادینه‌سازی یک مفهوم دینی در جامعه اسلامی است. این تحول معنایی نشان می‌دهد که چگونه یک واژه عمومی و عرفی، در بافت دینی و شرعی، معنایی خاص و نهادینه پیدا می‌کند و به یکی از مفاهیم کلیدی آن دین تبدیل می‌شود.

واژه‌شناسی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم قرآنی است که بدون آن، فهم دقیق قرآن امکان‌پذیر نخواهد بود. قرآن به زبانی عربی نازل شده است و فهم آن، نیازمند شناخت دقیق واژگان عربی و کاربردهای آنهاست. خداوند در قرآن به صراحت فرموده است: «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف/۲) و «وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل/۱۰۳). بنابراین، شناخت واژگان عربی و کاربردهای مختلف آنها، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در تفسیر قرآن است. برای شناخت دقیق واژگان قرآن، روش‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام به نوبه خود، ابعاد مختلفی از معنا را روشن می‌کنند. از جمله این روش‌ها می‌توان به روش لغوی (توجه به ریشه واژه، اشتقاق، و کاربردهای آن در زبان عربی)، روش سیاقی (توجه به جایگاه واژه در آیات مختلف و ارتباط آن با دیگر واژگان موجود در سیاق)، روش تاریخی (توجه به تحول معنایی واژه در طول تاریخ) و روش ساختارگرا (توجه به جایگاه واژه در نظام معنایی قرآن) اشاره کرد.

واژه‌شناسی قرآنی با چالش‌های متعددی مواجه است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: تفسیر به رأی (که در آن، مفسر به جای مراجعه به منابع معتبر، به معنای ذهنی خود از واژه اکتفا می‌کند)، بیتوجهی به تحول معنایی واژگان (که در آن، معنای امروزی یک واژه به قرآن تحمیل می‌شود)، اشتراک لفظی و چندمعنایی (که شناخت دقیق معنای مورد نظر در هر آیه را دشوار می‌سازد) و نقش عوامل برون‌متنی (که غفلت از آنها به درک ناقص از واژگان قرآنی می‌انجامد). در مورد واژه «صلوه»، بیتوجهی به تحول معنایی این واژه از مهم‌ترین چالش‌هایی است که مفسران با آن مواجه بوده‌اند. بسیاری از مفسران با تکیه بر معنای امروزی «صلوه» (نماز)، آن را به تمام آیات قرآن تحمیل کرده‌اند، در حالی که در برخی آیات، این واژه به معنای دعا یا توجه عطوفتی به کار رفته است. از سوی دیگر، برخی مفسران با اصرار بر معنای لغوی (دعا)، از تحول معنایی این واژه در قرآن غفلت کرده و آن را در آیاتی که به وضوح به نماز اشاره دارند، نیز به معنای دعا تفسیر کرده‌اند.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد جامع‌نگر، تلاش می‌کند تا با تلفیق روش‌های مختلف (لغوی، سیاقی، تاریخی و فقهی)، تحلیلی جامع و دقیق از واژه «صلوه» ارائه دهد. این رویکرد، با در نظر گرفتن همزمان ابعاد مختلف معنا (ریشه لغوی، کاربردهای تاریخی، سیاق آیات، قرائن لفظی و معنوی، روایات تفسیری و کاربردهای فقهی)، می‌تواند به درک عمیق‌تر و دقیق‌تری از این واژه در آیات مختلف قرآن منجر شود. همچنین، این رویکرد می‌تواند میان دو دیدگاه افراطی (تکیه صرف بر معنای لغوی یا تکیه صرف بر معنای شرعی) تعادل برقرار کند و با در نظر گرفتن تحول معنایی واژه، کاربردهای مختلف آن را در بستر تاریخی و زبانی خود بررسی نماید.

۳. کاربردهای «صلوه» در قرآن

«صلوه» در زبان عربی از ریشه «صلو» (ص-ل-و) یا به قولی «صلی» (ص-ل-ی) مشتق شده است. راغب اصفهانی

در مفردات الفاظ القرآن آن را از ریشه «صلو» دانسته و معنای اصلی این ریشه را «دعا و توجه» و «روی آوردن به چیزی» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۶). در اشعار جاهلی و متون پیشاآسلامی، واژه «صلوه» به معنای «دعا» و «توجه» به کار می‌رفته است. طبری در جامع البیان به اشعاری از شعرای جاهلی اشاره کرده است که در آنها «صلوه» به معنای دعا به کار رفته است (طبری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۴). همچنین، در فرهنگ عرب جاهلی، «صلاه» به عمل «رکوع و سجود» نیز اطلاق می‌شده که نشان‌دهنده ارتباط معنایی این واژه با خضوع و خشوع در برابر خداوند است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۲۳). این کاربرد نشان می‌دهد که «صلوه» در دوران جاهلیت، مفهومی نسبتاً گسترده داشته و انواع مختلف نیایش و عبادت را در بر می‌گرفته است. با نزول قرآن، این واژه به تدریج معنای خاص‌تری پیدا کرد و به یکی از ارکان اصلی اسلام تبدیل شد.

واژه «صلوه» در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته است که با توجه به سیاق آیات، قابل تشخیص است. مهم‌ترین و پربسامدترین کاربرد «صلوه» در قرآن، معنای شرعی نماز است که در آیات متعددی به کار رفته است. در آیات ۹ تا ۱۴ سورهٔ علق، به نماز پیامبر (ص) قبل از بعثت اشاره شده است: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى» (۹) «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (۱۰). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقد است که پیامبر (ص) قبل از بعثت نیز نماز می‌خوانده، هرچند کیفیت آن با نمازهای پنج‌گانه یومیه متفاوت بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲۰، ص ۵۵۱). در آیات ۴۰ تا ۴۳ سورهٔ مدثر نیز از مجرمان سؤال می‌شود: «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ» (۴۲) «قالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (۴۳). در اینجا، «مصلین» به کسانی گفته می‌شود که نماز می‌خوانده‌اند و ترک نماز، یکی از عوامل ورود به جهنم معرفی شده است. آلوسی در روح المعانی این «مصلین» را به نمازهای واجب یومیه تفسیر کرده است (آلوسی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۴۷). در آیات ۷۸ تا ۷۹ سورهٔ اسراء نیز زمان‌های نماز و اقامه آن به‌صورت مفصل بیان شده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیات، به پاداش نماز یعنی «مقام محمود» (شفاعت کبری) اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۲۴۱). در آیه ۱۱۰ سورهٔ اسراء که موضوع اصلی این پژوهش است، به کیفیت قرائت نماز و رعایت حد وسط در جهر و اخفات اشاره شده است.

در برخی آیات قرآن، «صلوه» به معنای دعا و نیایش به کار رفته است. در آیه ۴۱ سورهٔ نور می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ ۖ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ». زمخشری در الکشاف در تفسیر این آیه، «صلوه» را به معنای دعا دانسته است (زمخشری، ۱۴۳۰، ص ۷۳۲). در آیه ۳۵ سورهٔ انفال نیز می‌فرماید: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَه». طبرسی در مجمع البیان معتقد است که منظور از «صلوه» در این آیه، دعا و نیایش است و مشرکان دعای واقعی نداشته‌اند و فقط سوت‌زدن و کف‌زدن آنها نماز و دعایشان بوده است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۴۶۳). این کاربرد نشان می‌دهد که «صلوه» در برخی آیات قرآن، همچنان به معنای لغوی خود (دعا) به کار رفته است و هنوز تحول معنایی کامل به سمت معنای شرعی در این آیات رخ نداده است. این نکته، گویای فرایند تدریجی تحول معنایی این واژه در قرآن است که در سوره‌های مکی (که این آیات در آنها قرار دارند) بیشتر به معنای لغوی و در سوره‌های مدنی بیشتر به معنای شرعی به کار رفته است.

در برخی آیات، «صلوه» به معنای اطاعت و پیروی از دستورات الهی به کار رفته است. در آیه ۱۵ سورهٔ اعلی، «وَذَكَرَ اسمَ رَبِّهِ فصلی» به معنای پیروی از دستورات الهی و بندگی است. طباطبایی در المیزان معتقد است که پس از شناخت و ذکر خدا، فرد در خدمت خداوند قرار می‌گیرد و آثار این شناخت و معرفت که همان خضوع و خشوع است، در اعضا و جوارح او ظاهر می‌شود و این حقیقت با عبارت «فَصَلّی» بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲۰، ص ۱۱۴). در آیه

۳۱ سورۀ قیامه، «لا صَدّقَ وَلا صَلّی» به کار رفته است و طبری در جامع البیان «صَلّی» را به معنای «تَوَلّی عَن طاعَه اللهِ» (روی گرداندن از اطاعت خدا) دانسته است (طبری، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۸۱). در آیه ۳۱ سورۀ حاقه نیز «ثُمّ الْجَحِیمَ صَلُّوهُ» به معنای ملازم قراردادن آدمی با آتش است. طباطبایی این معنا را پذیرفته و آن را به معنای «وارد کردن و ملازم ساختن» دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۹، ص ۴۰۰). همچنین، در آیه ۹۴ سورۀ واقعه، «وَ تَصْلِیَه جَحِیمٍ» به معنای وارد شدن و ملازمت با آتش جهنم است. راغب اصفهانی «تصلیه آتش» را به معنای آن دانسته است که چیزی را در آتش داخل کنی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۶).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۴۳ سورۀ احزاب («إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِ»)، به معنای جامع «صلوه» اشاره کرده است. از نظر ایشان، «معنی جامع «صلوه» چنان‌که از موارد استعمال آن بدست می‌آید، انعطاف است که به اختلاف نسبت، متفاوت می‌شود. لذا گفته‌اند «صلوه» از خدا، رحمت؛ از ملائکه، استغفار و از مردم، دعا است.» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۴۰۱). بر اساس این دیدگاه، «صلوه» در همه کاربردهای خود، معنای «توجه عطوفتی» را دارد؛ با این تفاوت که فاعل آن، متفاوت است و به تبع آن، نوع توجه نیز متفاوت می‌شود: توجه خداوند به بندگان به صورت رحمت، توجه ملائکه به انسان‌ها به صورت استغفار، و توجه انسان‌ها به خداوند به صورت دعا و نیایش است. این دیدگاه که بر اساس تحلیل دقیق کاربردهای مختلف «صلوه» در قرآن ارائه شده است، می‌تواند تعدد معانی این واژه را به‌خوبی تبیین کند و نشان دهد که «صلوه» یک واژه چندمعناست و نه اشتراک لفظی.

برخی از مفسران مانند سیوطی در الاتقان معتقدند که «صلوه» از واژگان اشتراک لفظی است و برای آن ۱۰ معنا ذکر کرده‌اند: نمازهای پنج‌گانه، نماز عصر، نماز جمعه، نماز میت، دعا، دین، قرائت، رحمت و استغفار، جایگاه‌های نماز و ... (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۹۰-۴۹۱). اما علامه طباطبایی در المیزان معتقد است که «صلوه» یک معنای جامع دارد و تعدد معانی آن، ناشی از اختلاف در فاعل و نسبت است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۴۰۱). با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد که دیدگاه علامه طباطبایی دقیق‌تر و جامع‌تر است. «صلوه» یک معنای اصلی (توجه عطوفتی) دارد که در موارد مختلف، به فراخور فاعل و مفعول، مصادیق متفاوتی پیدا می‌کند. این پدیده در بسیاری از زبان‌ها دیده می‌شود و با اشتراک لفظی که در آن معانی کاملاً بی‌ارتباطند، تفاوت اساسی دارد. بنابراین، می‌توان گفت که «صلوه» یک واژه چندمعناست که بر اساس یک معنای مرکزی، در بافت‌های مختلف، معانی متفاوت اما مرتبطی پیدا می‌کند. این تحلیل، هم به غنای معنایی این واژه در قرآن توجه دارد و هم از تحمیل یک معنای ثابت بر تمام آیات جلوگیری می‌کند.

٤. بررسی آیه ۱۱۰ سوره اسراء

سوره مبارکه اسراء از سوره‌های مکی است که در حدود سال هفتم بعثت و در بحبوحه فشارهای مشرکان بر پیامبر (ص) و مسلمانان نازل شده است. این سوره به دلیل اشاره به معراج پیامبر (ص) و نیز بیان احکام و معارف متعدد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آیات ۷۸ تا ۱۱۰ این سوره، به موضوع نماز و عبادت اختصاص دارد. در آیات ۷۸ و ۷۹، به اقامه نمازهای پنج‌گانه و نماز شب اشاره شده است و آیه ۱۱۰ در ادامه این بحث است: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَیْنَ ذلِكَ سَبِیلًا.» در این آیه، پس از اشاره به

نام‌های حسنای خداوند و دعوت به دعا با هر یک از این نام‌ها، دستور به رعایت حد وسط در «صلوه» داده شده است. این آیه به دلیل حضور واژه «صلوه» در کنار واژه «دعا» (که در ابتدای آیه آمده است)، فرصت مناسبی برای بررسی تحول معنایی این واژه فراهم می‌کند. همچنین، به دلیل اشاره به «جهر» و «اخفات»، به مباحث فقهی نماز نیز مرتبط می‌شود.

مفسران بزرگ در تفسیر آیه ۱۱۰ سوره اسراء، دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: طبری در جامع البیان با بررسی دیدگاه‌های مختلف و مقایسه آنها با روایات، به این نتیجه رسیده است که «صلوه» در این آیه به معنای نماز است. وی چهار دیدگاه اصلی را نقل می‌کند: دیدگاه نخست (جهر و اخفات در نماز) که از حسن و سعید بن جبیر نقل شده است و بر اساس آن، «صلوه» به معنای نماز است؛ دیدگاه دوم (جهر و اخفات در دعا) که از مجاهد، عطا و مکحول نقل شده است و «صلوه» را به معنای دعا می‌داند؛ دیدگاه سوم (تفکیک نمازهای شب و روز) که از ابومسلم نقل شده است و معتقد است که نمازهای شب را بلند و نمازهای روز را آهسته بخوانید؛ و دیدگاه چهارم (رعایت حد وسط در بلندی صدا) که از جبائی نقل شده است و می‌گوید که نماز را چندان بلند نخوانید که دیگران را آزار دهد و چندان آهسته نخوانید که خودتان صدایتان را نشنوید. طبری با بررسی دقیق دیدگاه‌های مختلف و مقایسه آنها با روایات، به دیدگاه اول (نماز) گرایش یافته است (طبری، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۳۴).

زمخشری در الکشاف با رویکرد ادبی-بلاغی، «صلوه» را به معنای «دعا» دانسته و «جهر» و «اخفات» را به بلندی و آهستگی صدا در دعا تفسیر کرده است. وی برای تقویت دیدگاه خود، به ارتباط آیه ۱۱۰ با ابتدای آیه که «ادْعُوا اللَّهَ» آمده است، اشاره کرده و می‌گوید: «صلوه» همان «دعا»ست و پس از امر به دعا، دستور به رعایت حد وسط در آن داده شده است (زمخشری، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۴۹۵). دیدگاه زمخشری از نظر ادبی و بلاغی قوی است و به ارتباط میان اجزای آیه توجه دارد. اما نقد اصلی بر این دیدگاه، عدم توجه به روایات متعددی است که «صلوه» را در این آیه به معنای نماز دانسته‌اند. همچنین، زمخشری به تحول معنایی «صلوه» از دعا به نماز در طول زمان توجه نکرده و صرفاً به کاربرد لغوی آن اکتفا کرده است. از سوی دیگر، «جهر» و «اخفات» در روایات و فقه به قرائت نماز مربوط می‌شوند و این قرینه‌ای قوی بر این است که «صلوه» در این آیه به معنای نماز است.

طبرسی در مجمع البیان نیز با نقل روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، دیدگاه «صلوه به معنای نماز» را تأیید کرده است. وی روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که «جهر» به معنای بلند خواندن به گونه‌ای که دیگران بشنوند و «اخفات» به معنای آهسته خواندن به گونه‌ای که خود انسان صدایش را نشنود، تعریف شده است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۴۰۳-۴۰۴). طبرسی با نقل روایات متعدد از اهل بیت (ع)، دیدگاه اول (نماز) را تأیید کرده است. قوت این دیدگاه، استناد به روایات معتبر و توجه به سیاق آیه است. آلوسی در روح المعانی با رویکرد فقهی-تفسیری، به ادله چهارگانه برای اثبات این مدعا اشاره می‌کند: ادله لغوی (اگرچه «صلوه» در لغت به معنای دعاست، اما در شرع معنای خاصی پیدا کرده است)، ادله تفسیری (اکثر مفسران آن را به معنای نماز دانسته‌اند)، ادله روایی (روایات متعدد در تأیید این معنا) و ادله فقهی (فقها از این آیه برای اثبات حکم جهر و اخفات استفاده کرده‌اند) (آلوسی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۸۴).

علامه طباطبایی در المیزان با رویکرد جامع‌نگر، به چند نکته برای اثبات این مدعا اشاره می‌کند: سیاق آیه (آیات ۷۸ و ۷۹ به صراحت به نماز اشاره دارند)، قرینه «جهر» و «اخفات» (که در فقه به قرائت نماز مربوط می‌شود)، ارتباط با «دعا» در ابتدای آیه (که «صلوه» معنای خاصی دارد) و روایات (که این معنا را تأیید می‌کنند) (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۲۴۵). علامه همچنین به دیدگاه «معنای جامع» اشاره کرده و معتقد است که «صلوه» یک معنای جامع (توجه عطوفتی)

دارد که در این آیه، در قالب نماز تحقق یافته است. دیدگاه علامه طباطبایی از جامعیت و عمق بیشتری نسبت به سایر دیدگاه‌ها برخوردار است. ایشان با توجه به سیاق، قرائن لفظی و معنوی، و نیز روایات، تحلیلی دقیق و قابل‌دفاع ارائه کرده است. همچنین، با طرح نظریه «معنای جامع»، توانسته است تعدد معانی «صلوه» را در قرآن به‌خوبی تبیین کند و از این طریق، میان دیدگاه‌های مختلف (تکیه بر معنای لغوی یا معنای شرعی) تعادل برقرار نماید.

برخی مفسران مانند لاهیجی در تفسیر شریف لاهیجی، علاوه بر معنای ظاهری آیه، به تفسیر باطنی آن نیز پرداخته و «صلوه» را به «ولایت علی (ع)» تأویل کرده‌اند. وی از حضرت باقر (ع) روایت می‌کند که «تفسیر باطنی این است که آشکارا مکن ولایت خلافت مرتضی علی (ع) را پس ولایت مرتضی علی نماز است» و خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که تا زمانی که خود خداوند اذن ندهد، ولایت علی (ع) را آشکار نکند، سپس در روز غدیر خم به او اذن داده می‌شود (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۸۶۴). این دیدگاه هرچند از غنای عرفانی و معنوی برخوردار است، اما از منظر روش‌شناختی، با مشکل «تحمیل معنا بر متن» مواجه است و فاقد ادله قوی لغوی و تفسیری می‌باشد. با این حال، این دیدگاه نشان می‌دهد که «صلوه» در فرهنگ شیعه، علاوه بر معنای ظاهری (نماز)، معانی باطنی و عمیق‌تری نیز دارد که می‌تواند در فهم ابعاد مختلف این مفهوم راهگشا باشد و نشان‌دهنده ارتباط عمیق نماز با ولایت در تفکر شیعی است.

با بررسی دیدگاه‌های مختلف مفسران و ادله موجود، می‌توان مفهوم «صلوه» را در آیه ۱۱۰ سوره اسراء به‌دقت تبیین کرد. از نظر لغوی، «صلوه» به معنای «دعا و توجه» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۶). اما در این آیه، با توجه به قرائن موجود، «صلوه» به معنای شرعی (نماز) به کار رفته است، زیرا «جهر» و «اخفات» به قرائت نماز مربوط می‌شود و در آیات قبل (۷۸ و ۷۹)، به اقامه نماز اشاره شده است. اکثر مفسران مانند طبری، طبرسی، آلوسی و طباطبایی «صلوه» را در این آیه به معنای نماز دانسته‌اند و سیاق آیات و ارتباط با آیات قبل و بعد، این معنا را تأیید می‌کند. همچنین، روایات متعددی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تفسیر این آیه وجود دارد که همگی «صلوه» را به معنای نماز دانسته‌اند. از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده است که «هرگاه پیامبر (ص) نماز را بلند می‌خواند و مشرکان می‌شنیدند، از او بدگویی کرده، به آزارش می‌پرداختند. خداوند دستور داد که نماز را آهسته بخواند» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۴۰۴). همچنین، امام صادق (ع) «جهر» را به بلند خواندن و «اخفات» را به آهسته خواندن تفسیر کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۷۸۰).

در علم فقه نیز آیه ۱۱۰ سوره اسراء یکی از مستندات مهم حکم جهر و اخفات در نمازهای واجب است. فقها با استناد به این آیه و روایات، حکم کرده‌اند که جهر (بلند خواندن) در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و عشا واجب است و اخفات (آهسته خواندن) در نماز ظهر و عصر و نیز در دو رکعت آخر نماز مغرب و عشا واجب است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۰۵؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۴). نجفی در جواهر الکلام به تفصیل به این حکم پرداخته و با استناد به آیه ۱۱۰ سوره اسراء و روایات متعدد، واجب‌بودن جهر در برخی نمازها و اخفات در برخی دیگر را اثبات کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۰۵). خویی نیز با رویکردی اصولی، به تحلیل مفهوم «صلوه» و «جهر» و «اخفات» در این آیه پرداخته و حکم فقهی آن را تبیین کرده است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۴). بنابراین، با استناد به ادله چهارگانه (لغوی، تفسیری، روایی و فقهی)، مفهوم «صلوه» در آیه ۱۱۰ سوره اسراء، نماز با قرائت آن است و دستور به رعایت حد وسط در جهر و اخفات داده شده است.

بر اساس آیه ۱۱۰ سوره اسراء و روایات تفسیری آن، دلالت‌های فقهی مهمی برای حکم جهر و اخفات به دست می‌آید. نخست، اصل وجوب رعایت حد وسط که مبین اعتدال در همه امور است و از افراط در جهر و تفریط در اخفات نهی می‌کند. دوم، جواز جهر و اخفات در نماز که نشان می‌دهد هر دو مشروعیت دارند و این نکته در مقابل دیدگاه کسانی است که معتقدند نماز باید همیشه آهسته خوانده شود. سوم، تفصیل در احکام که نشان می‌دهد احکام جهر و اخفات، بر اساس نمازهای مختلف (صبح، مغرب، عشا و ...) تفصیل پیدا می‌کنند. چهارم، نقش قواعد فقهی که نشان می‌دهد چگونه یک آیه قرآنی، با کمک روایات و قواعد فقهی، به یک حکم شرعی مفصل تبدیل می‌شود و این فرایند، نشان‌دهنده پویایی و غنای فقه اسلامی است.

۵. تحول معنایی «صلوه» در گذر زمان

در عصر جاهلی، «صلوه» به معنای «دعا» و «توجه» به کار می‌رفته است و هنوز به یک عمل عبادی خاص با ارکان و شرایط دقیق اختصاص نیافته بود. طبری به اشعاری از شعرای جاهلی اشاره کرده است که در آنها «صلوه» به معنای دعا به کار رفته است (طبری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۴). در فرهنگ عرب جاهلی، «صلاه» به عمل «رکوع و سجود» نیز اطلاق می‌شده که نشان‌دهنده ارتباط معنایی این واژه با خضوع و خشوع در برابر خداوند است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۲۳). در عصر جاهلی، «صلوه» یک مفهوم عمومی داشت و به هر نوع دعا و نیایش یا عمل عبادی (مانند رکوع و سجود) اطلاق می‌شده است. این واژه هنوز به یک عمل عبادی خاص با ارکان و شرایط دقیق اختصاص نیافته بود و معنای آن در بستر فرهنگی و دینی عرب جاهلی شکل گرفته بود که با مفاهیم توحیدی اسلام تفاوت اساسی داشت. این تفاوت در نگاه به عبادت و نیایش، زمینه تحول معنایی این واژه را در قرآن فراهم کرد.

با نزول قرآن، واژه «صلوه» دچار تحول معنایی شد. اگرچه قرآن از این واژه هم به معنای دعا و هم به معنای نماز با ارکان خاص استفاده کرده است، اما به تدریج معنای شرعی (نماز) به عنوان معنای اصلی و غالب آن تثبیت شده است. این تحول، فرایندی تدریجی بوده است: در سوره‌های مکی، «صلوه» بیشتر به معنای دعا و توجه عطوفتی به کار رفته است، در حالی که در سوره‌های مدنی، به تدریج به معنای نماز با ارکان خاص تثبیت شده است (Izutsu, 2002, p. 45). این فرایند تدریجی نشان‌دهنده آن است که تشریع نماز به عنوان یک عبادت با ارکان و شرایط خاص، در طول زمان و به تدریج صورت گرفته است و واژه «صلوه» نیز هم‌گام با این تشریع، دچار تحول معنایی شده است. در سوره‌های مکی که دعوت به اسلام در مراحل اولیه بود، «صلوه» بیشتر به معنای دعا و نیایش عمومی به کار می‌رفت، اما در سوره‌های مدنی که احکام شرعی به تفصیل بیان شد، این واژه به معنای نماز با ارکان و شرایط خاص تثبیت گردید.

تفاوت‌های اساسی میان کاربرد جاهلی و قرآنی «صلوه» را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: در جاهلیت، «صلوه» معنایی عمومی و گسترده داشت و در هر زمان و مکان و بدون شرایط خاص انجام می‌شد، اما در قرآن، به یک مفهوم خاص و محدود (نماز با ارکان و شرایط خاص) تبدیل شد که در اوقات خاص، با مکان و شرایط ویژه و با اجزای پیچیده‌ای (تکبیر، قرائت، رکوع، سجود و ...) انجام می‌شود و نقش اجتماعی و سیاسی مهمی نیز پیدا کرده است. همچنین، در جاهلیت «صلوه» یک عمل فردی بود، اما در قرآن به یک عبادت اجتماعی و سیاسی تبدیل شد که در جماعت برگزار می‌شود و هویت جمعی مسلمانان را شکل می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تحول معنایی «صلوه» صرفاً یک تغییر زبانی نبوده، بلکه بازتاب‌دهنده تحولی عمیق در نگرش به عبادت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست.

فرایند تحول «صلوه» از معنای لغوی (دعا و توجه) به معنای شرعی (نماز با ارکان و شرایط خاص) را می‌توان در چهار مرحله تبیین کرد: مرحله اول، کاربرد عمومی در جاهلیت که در آن «صلوه» به هر نوع دعا و نیایش یا عمل عبادی اطلاق می‌شد؛ مرحله دوم، کاربرد در قرآن (دوره مکی) که در آن قرآن از «صلوه» هم به معنای دعا و هم به معنای نماز ابتدایی استفاده می‌کرد و نماز در این دوره، ساده‌تر بود و شرایط و ارکان پیچیده‌ای نداشت؛ مرحله سوم، کاربرد در قرآن (دوره مدنی) که با تشریع احکام کامل اسلام، «صلوه» به معنای نماز با ارکان و شرایط خاص تثبیت شد؛ و مرحله چهارم، تثبیت در فقه و حدیث که پس از نزول قرآن و در دوره پیامبر (ص) و ائمه (ع)، «صلوه» به عنوان یک مفهوم شرعی تثبیت شد و در روایات و فقه، به تفصیل ابعاد مختلف آن تبیین گردید.

عوامل متعددی در این تحول معنایی نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نزول قرآن و تشریع احکام که با نزول آیات مربوط به نماز، به تدریج مفهوم «صلوه» را از یک مفهوم عمومی به یک مفهوم خاص و شرعی تبدیل کرد و آیاتی مانند آیه ۷۸ سورهٔ اسراء که اوقات نماز را مشخص کرده است، در این فرایند نقش کلیدی داشتند؛ سنت پیامبر (ص) که با اقامه نماز و آموزش آن به مسلمانان، عملاً معنای شرعی «صلوه» را تثبیت کرد و نماز در سنت پیامبر (ص)، به عنوان یک عمل عبادی با ارکان و شرایط خاص نهادینه شد؛ روایات اهل بیت (ع) که با تبیین دقیق احکام نماز و تفسیر آیات مربوط به آن، به تثبیت معنای شرعی «صلوه» کمک کردند؛ و تدوین فقه که فقها با تدوین ابواب فقهی و تبیین دقیق احکام نماز، «صلوه» را به عنوان یک مفهوم فقهی تثبیت کردند و از آن پس، «صلوه» در فقه، صرفاً به معنای نماز با شرایط خاص به کار رفته است.

روایات معصومان (ع) نقش کلیدی در تثبیت معنای شرعی «صلوه» داشته‌اند. این نقش‌ها عبارتند از: تبیین ارکان و شرایط نماز که روایات به تفصیل به بیان ارکان نماز (تکبیر، قرائت، رکوع، سجود و ...) و شرایط آن (طهارت، قبله، لباس، زمان و ...) پرداخته‌اند و این تبیین، به تثبیت معنای شرعی «صلوه» کمک شایانی کرده است؛ تفسیر آیات مربوط به نماز که ائمه (ع) در روایات خود، آیات مربوط به نماز را تفسیر کرده و معنای «صلوه» را در آنها تبیین کرده‌اند، مانند روایات تفسیری در مورد آیه ۱۱۰ سوره اسراء که نشان می‌دهد «صلوه» در این آیه به معنای نماز است؛ بیان حکمت و آثار نماز که روایات به بیان حکمت نماز و آثار فردی و اجتماعی آن پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چرا نماز این‌قدر مهم است و چرا باید با شرایط خاص انجام شود؛ و تأکید بر نماز به عنوان یکی از ارکان دین که روایات متعددی نماز را «ستون دین» معرفی کرده و آن را یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام دانسته‌اند و این تأکید، به تثبیت جایگاه و اهمیت «صلوه» در فرهنگ اسلامی کمک کرده است.

٦. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحول معنایی واژه «صلوه» با تکیه بر آیه ۱۱۰ سوره اسراء انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واژه «صلوه» در قرآن دارای کاربردهای متنوعی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نماز (که مهم‌ترین و پربسامدترین کاربرد است)، دعا و نیایش (که در آیات متعددی به این معنا به کار رفته است)، اطاعت و پیروی (که در برخی آیات به معنای تبعیت از دستورات الهی است)، دخول و ملازمت (که در آیات مربوط به عذاب جهنم به این معنا به کار رفته است) و توجه عطوفتی (که از سوی خداوند به معنای رحمت و از سوی ملائکه به معنای استغفار است). در آیه

۱۱۰ سوره اسراء، «صلوه» به معنای نماز با قرائت آن به کار رفته است و دستور به رعایت حد وسط در جهر و اخفات داده شده است. این معنا با استناد به ادله چهارگانه (لغوی، تفسیری، روایی و فقهی) قابل اثبات است.

دیدگاه‌های مفسران در تفسیر این آیه، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: گروهی «صلوه» را به معنای دعا دانسته‌اند (مانند زمخشری) و گروهی آن را به معنای نماز (مانند طبری، طبرسی، آلوسی و طباطبایی). دیدگاه علامه طباطبایی که بر اساس «معنای جامع» و توجه به سیاق و روایات استوار است، از جامعیت و عمق بیشتری برخوردار است. ایشان با طرح نظریه «معنای جامع»، توانسته است تعدد معانی «صلوه» را در قرآن به‌خوبی تبیین کند و نشان دهد که «صلوه» یک واژه چندمعناست و نه اشتراک لفظی. این تحلیل، هم به غنای معنایی این واژه در قرآن توجه دارد و هم از تحمیل یک معنای ثابت بر تمام آیات جلوگیری می‌کند. همچنین، دیدگاه علامه طباطبایی با توجه به سیاق، قرائن لفظی و معنوی، و نیز روایات، تحلیلی دقیق و قابل‌دفاع ارائه کرده است.

«صلوه» از یک معنای عمومی (دعا) در زبان عرب جاهلی به یک معنای خاص شرعی (نماز با ارکان و شرایط خاص) تحول یافته است. این تحول، ریشه در فرایند تشریع و نهادینه‌شدن عبادات در اسلام دارد و به تدریج در طول تاریخ رخ داده است. تفاوت‌های اساسی میان کاربرد جاهلی و قرآنی «صلوه» نشان می‌دهد که این تحول معنایی صرفاً یک تغییر زبانی نبوده، بلکه بازتاب‌دهنده تحولی عمیق در نگرش به عبادت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. نقش روایات معصومان (ع) در تثبیت معنای شرعی «صلوه» بسیار مهم و کلیدی بوده است. روایات با تبیین ارکان، شرایط، حکمت و جایگاه نماز، به تثبیت این مفهوم در فرهنگ اسلامی کمک کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی برای دیگر واژگان کلیدی قرآن مانند «زکات»، «صوم» و «حج» انجام شود تا سیر تحول معنایی آنها بررسی گردد. همچنین، پژوهش‌هایی با رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی برای بررسی نقش عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تحول معنایی واژگان قرآنی می‌تواند مفید باشد. پژوهشی تطبیقی میان تفاسیر شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه ۱۱۰ سوره اسراء نیز می‌تواند نقاط اشتراک و افتراق آنها را تبیین کند. افزون بر این، پژوهش در مورد تأثیر تحول معنایی واژگان بر استنباط فقهی و تغییر احکام شرعی در طول تاریخ، می‌تواند به درک بهتر فرایند اجتهاد و پویایی فقه اسلامی کمک کند.

۷. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

۲. آلوسی، محمود، (۱۴۱۷ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الفکر.

۳. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۸۴)، *مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن*. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزان روز.

۴. اولمان، استیون، (۱۳۹۴)، *دگرگونی معنا در زبان*، ترجمه فریده مشکینی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البیت.

۶. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، *مبانی تکمله المنهاج*، قم: نشر مدینه العلم.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.

۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۳۸۴)، *ترجمه الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید محمود دشتی. تهران: انتشارات دانشکده اصول الدین.

۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۷)، *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۳ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

۱۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۴)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

۱۲. زمخشری، محمود، (۱۴۳۰ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار المعرفه.

۱۳. لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: انتشارات علمی.

۱۴. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۵. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۴۱۲ق)، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، قاهره: دار الکتب المصریه.

16. Campbell, Lyle, (2013), *Historical Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press.